

## جایگاه علم و دانش در حدیقه سنایی\*

عبدال... حکاکیان

دانش آموخته دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.

### چکیده

پیامبر بزرگوار اسلام می‌فرماید: اطلبوا العلم من المهد الی اللحد، یا اطلبوا العلم ولو الصین. حضرت علی خود را بنده کسی می‌داند که به او کلمه‌ای بیاموزد و خداوند در قرآن خطاب به رسول گرامی خویش می‌فرماید: قل رب زدنی علماً (بگو، خدایا بر علمم بیفز). نمونه‌هایی از این دست در آیات، احادیث و سخنان بزرگان دین فراوان دیده می‌شود که نشان دهنده ارزش و جایگاه علم و دانش و عالمان و دانشمندان در آموزه‌های دینی است. از طرفی تأکید بر تحصیل علم و دانش و ستایش عالمان و دانشمندان از موضوعاتی است که در اغلب آثار ادبی این سرزمین به چشم می‌خورد. از جمله این آثار حدیقه سنایی است. سنایی در این اثر ارزشمند به تحصیل علم و دانش سفارش می‌کند و مقام اهل علم را گرامی می‌دارد و جهل و نادانی را به شدت مورد طعن و ملامت قرار می‌دهد. ما در این مقاله کوشیده‌ایم ضمن نگاهی اجمالی به جایگاه و ویژگی‌های اهل علم در قرآن، جایگاه و ارزش علم و علم‌آموزی و خصوصیات اهل علم را در حدیقه مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

**واژه‌های کلیدی:** علم، عالم، جاهل، علم‌خوان، علم‌دین

---

\* استخراج شده از پایان‌نامه دوره دکتری با عنوان «تحلیل موضوعی ابیات و حکایات حدیقه سنایی»

## مقدمه

دکتر زرین کوب می‌گوید: «حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه که آن را الهی نامه و فخری نامه نیز خوانده‌اند، منظومه‌ای است شامل ده هزار بیت در توحید و عرفان و اخلاق و البته آن را اگر در همه جا بتوان شعر خواند از آن نوع شعر باید خواند که تعلیمی نام نهاده‌اند و مثل هر شعر تعلیمی هدفی معین دارد که در اینجا تعلیم مقاصد صوفیه است از راه خیال‌انگیزی و شاعری. جاهایی در آن است که از بس تعلیم غلبه دارد در آن از ذوق و خیال اثری نیست، جاهایی نیز هست که نظم امثال و قصه‌ها و یا آوردن تشبیهات خیال‌انگیز رنگی از شعر راستین بدان بخشیده است. در هر حال حدیقه به یک تعبیر چیزی از نوع دایره‌المعارف عرفانی است.

آن هم به شعر در طی آن شاعر از همه چیز سخن می‌گوید: از خدا و رسول، از عقل و عشق، از علم و غفلت، از دوست و دشمن، از زمین و آسمان، از شاه و وزیر و حتی از خود کتاب. سخن او نیز مثل نوای یک معلم است. حالت کسی را دارد که شنونده را شاگرد خود می‌داند. با او گفت و شنید نمی‌کند. او را راهنمایی می‌کند.» (با کاروان حله - ص ۱۷۰)

در سخن دکتر زرین کوب دو نکته وجود دارد: یکی موضوع حدیقه که از همه چیز در آن سخن می‌گوید. خدا و رسول، علم و دانش، زمین و آسمان و... و دیگر لحن سنایی که جنبه تعلیمی و آموزشی دارد به طوری که گویی با شاگرد خویش سخن می‌گوید. با عنایت به این دو نکته می‌توان گفت یکی از موضوعاتی که سنایی در حدیقه با لحنی تعلیمی و آموزشی با مخاطب در میان می‌گذارد، موضوع علم، ارزش آن، لزوم تحصیل آن و جایگاه اهل علم و تفاوت اوست با جاهل.

«شایسته خواهد بود اگر بگوییم نظریات حکیم سنایی در عرصه علم و ادب در کلیه آثارش بازتاب عمیق یافته که نه تنها نشانه ارزشمندی این آثار در عصر خود حکیم است، بلکه امروز نیز از اهمیت و ارزش ویژه برخوردار است. او در همه جا علم و دانش و ادب را موجب مباحثات دانسته است، چنانکه در بیت زیر چنین مدعی است:

جان ز دانش کن قرین تا شوی زیبا از آنکه

زیب کی گیرد عبارت بی نظام دستیار (شوریده‌ای در غزنه - ص ۸-۱۷۷)

«سنایی غزنوی شاعری است خود آیین، فاضلی است صاحب یقین که انسان را به کسب علم و هنر تشویق و ترغیب می‌کند، او از انسان‌های با علم و ادب با تمجید و ستایش یاد می‌نماید و مقام والای دانش و دانشمند را می‌ستاید.

چو مردان بشکن این زندان یکی آهنگ صحرا کن

به صحرا در نگه آنگه به کام دل تماشا کن

از این زندان اگر خواهی که چون یوسف برون آیی

به دانش جان بیور نیک و سر در علم رویا کن (شوریده‌ای در غزنه ص ۱۸۹)

سنایی در اشعار خود به دانش‌های گوناگون اشاره کرده است و علاقه خود را به هر یک از بخش‌های دانش ابراز داشته است، او علاقه خود را به علم حکمت، طب، نجوم، علوم دینی و غیره نشان داده و فراگیری آن را از وظایف اخص انسانها دانسته است. در حدیقه شصت بیت در باب علل امراض بیان گردیده است که این خود بیانگر آن است که در علم طب نیز مهارت‌هایی داشته و مردم را در فراگیری علم طب و در تشخیص علایم امراض تشویق و ترغیب نموده است. (شوریده‌ای در غزنه - ص ۱۹۱)

اهم نکاتی که سنایی در حدیقه در باب علم و عالم از آن سخن گفته است عبارتند از: ارزش و جایگاه علم، علم شناخت خداوند، تفاوت علم دان و علم‌خوان، لزوم همراهی علم با عمل، علم شناخت خویش، تفاوت جاهل و عالم، علم و حلم، علم دین و حکمت جان.

نگارنده در این مقاله کوشیده است ضمن نگاهی اجمالی به جایگاه و ویژگی‌های اهل علم در قرآن مباحث فوق‌الذکر را با عنایت به افکار و اندیشه‌های سنایی مورد بحث و بررسی قرار دهد.

### ویژگی‌های اهل علم در قرآن

واژه علم به معنی دانستن آگاهی و دانش و مشتقات این واژه همچون عالم، علیم، علما و... در بسیاری از آیات قرآن آمده است که این امر بیانگر ارزش و جایگاه علم و آگاهی است در قرآن. در قرآن همواره از اهل علم به نیکی یاد شده است و فراگیری علم و دانش از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند خطاب به رسول خود می‌فرماید: قل رب زدنی علماً. (خدایا بر علم و دانش من بیفز) (سوره طه - آیه ۱۱۴).

از آیات متعددی که در باب علما و دانشمندان در قرآن دیده می‌شود، می‌توان ویژگی‌های اهل علم را در قرآن اینگونه بر شمرد:

۱- خداوند مقام اهل دانش را رفیع و والا می‌گرداند. (یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات) (سوره مجادله - آیه ۱۱)

۲- از ویژگی‌های علما و دانشمندان خدا ترس بودن آنهاست. (انما یخشی الله من عباده العلماء) (سوره فاطر - آیه ۲۸)

۳- اهل علم به خداوند ایمان دارند، نماز را بر پای می‌دارند و زکات می‌دهند. (الراسخون فی العلم منهم و المومنون... والمقیمین الصلوه و الموتون الزکوه) (سوره نساء - آیه ۱۶۲)

۴- علما و دانشمندان آفرینش آسمان و زمین و تفاوت مخلوقات را از نشانه‌های حکمت خداوند می‌دانند. (و من آیاته خلق السماوات و الارض و اختلاف الستکم و

- الواتکم ان فی ذالک لآیات للعالمین) (سوره روم- آیه ۲۲)
- ۵- اهل علم بیش از دیگران در باب داستانها و ضرب المثل های قرآن تفکر می کنند. (و تلک الامثال نضربها للناس و مایعقلها الا العالمون) (سوره عنکبوت- آیه ۴۳).
- ۶- قرآن آیات روشن الهی در دل عالمان و دانشمندان است. (هو آیات بینات فی صدور الذین اوتوا العلم) (سوره عنکبوت- آیه ۴۹)
- ۷- اهل علم پاداش الهی را بهتر از پول و ثروت می دانند. (و قال الذین اوتوا العلم ویلکم ثواب الله خیر لمن امن) (سوره قصص- آیه ۸۰)
- ۸- اهل علم قرآن را نازل شده از طرف خداوند و راهنمای مردم به سوی او می دانند. (و یری الذین اوتوا العلم الذی انزل الیک من ربک هو الحق و یهدی الی صراط العزیز الحمید) (سوره سبا- آیه ۶)

### ارزش و جایگاه علم و علم آموزی در حدیقه:

سنایی برای علم و آموختن علم ارزش فراوانی قایل است. به عقیده او علم مایه آرامش درون انسان است و عالم به واسطه داشتن علم باطنی سرشار از آرامش دارد. به باور سنایی علم چنان ارزشی دارد که اهل خود را به بهشت می رساند و عالم هم در دنیا و هم در آخرت به ناز و نعمت می رسد و جایگاهی بس رفیع دارد:

علم باشد دلیل نعمت و ناز خنک آن را که علم شد دمساز (حدیقه- ص ۳۱۵)

مرد را علم ره دهد به نعیم مرد را جهل در برد به جحیم (حدیقه- ص ۳۱۵)

به عقیده سنایی علم با همه ارج و قرب و ارزش و اعتباری که دارد، اگر باعث تکبر و غرور شود علم نیست. به عقیده او علمی که باعث تکبر و غرور و فخرفروشی شود علمی است شیطانی می گوید شیطان نیز علم داشت اما از علم خود برای فخرفروشی سود جست و آن را وسیله ای برای فریب مردم ساخت. لذا عالمی که فخر بورزد شیطانی است در لباس انسان.

نز پی کار داشت علم ابلیس داشت بهر تکبر و تلبیس (حدیقه- ص ۳۲۲)

سعدی در گلستان می گوید: «علم از بهر دین پروردن است، نه از بهر دنیا خوردن» (گلستان سعدی، به کوشش خطیب رهبر- ص ۵۱۹)

سنایی نیز علم را وسیله ای برای تعالی و کمال روح و روان می داند، نه برای تحصیل مال و جاه و مقام دنیوی. به عقیده او علمی که برای تحصیل مال و جاه باشد مانند چراغی است در دست دزد. چنین علمی نه تنها انسان را به بزرگی نمی رساند که دین و ایمان او را به تاراج می دهد.

علم را چون تو خوانی از بازیش

آلت جاه و ساز ره سازیش

کشد آن علم جانت در امواج

بدل تاج دین کند تاراج (حدیقه- ص ۳۲۱)

علم کز بهر باغ وراغ بود

همچو مر دزد را چراغ بود

علم کز بهر حشمت آموزی

حاصلش رنج دان و بدروزی (حدیقه- ص ۳۲۲)

علم کان زیر دست مزدور است

آن نه علم است کان همه زور است (حدیقه- ص ۳۲۱)

علم واقعی علمی است که انسان را به سوی خداوند راهنمایی کند:

علم سوی در اله برد

نه سوی مال و نفس و جاه برد (حدیقه- ص ۳۱۵)

سنایی علم حقیقی را علم دل و درون می‌داند. علم شناخت خویشتن و علم شناخت اسرار و دنیای درون انسان، همان علمی که مقدمه خداشناسی است (من عرف نفسه فقد عرف ربه) نیل به چنین علمی است که عالم را به مقام واقعی انسانیت می‌رساند:

از پی دوست را و دشمن را

علم جان را به و عمل تن را

سوی عالم نه سوی صاحب ظن

دانش جان به از توانش تن (حدیقه- ص ۳۱۸)

چون تو را علم دل بمیراند

که تو را خود به آدمی خواند (حدیقه- ص ۳۱۸)

نکته‌ای که سنایی بر آن تأکید ویژه‌ای دارد، علم همراه با استنباط است، علم اکتسابی با علم استنباطی تفاوت دارد، علم استنباطی، علم را با جان و دل و با تمام وجود چشیدن است و عالم واقعی کسی است که به علم استنباطی برسد، وگرنه آنکه تنها به علم اکتسابی بسنده کرده است تفاوت چندانی با جاهل ندارد:

علم خواندی، نگشتی اهل هنر

جهل از این علم توبسی بهتر

علم را هر که نیست آماده

مثلش چون که است و بیجاده

گرچه در جذب گاه کرد بسیج

کهربا راز که چه خیزد، هیچ (حدیقه- ص ۳۱۸-۳۱۷)

### علم شناخت خداوند

به عقیده سنایی مهمترین و ارزشمندترین علم، علم شناخت خداوند است. او علم شناخت خداوند را پایه و اساس دیگر علوم می‌داند و می‌گوید: علم اصلی و واقعی علم شناخت و معرفت خداست، علوم دیگر زیر مجموعه این علم هستند و اگرچه در ظاهر علوم بسیارند، اما در حقیقت همه علوم شاخه‌ای و سایه‌ای از این علم هستند و یکی بیش نیستند:

شبللی از پیر روزگار جنید	کرد نیکو سوالی از پی صید
گفت پیرا نهاد جمله علوم	مر مرا کن در این زمان معلوم
تا بدانم که راه عقبی چیست	مرد این راه زین خلاق کیست
گفت برگیر خواجه زود قلم	تا بگویم تو را ز سر قدم
شبللی اندر زمان قلم برداشت	و آنچه او گفت یک به یک بنگاشت
گفت بنویس از این قلم الله	چونکه بنوشت شد سخن کوتاه
گفت دیگر چه، پیر گفت جز این	خود همین است کردمت تلقین
علمها جمله زیر این کلمه است	هست صورت یکی ولی همه است
علم جمله جهان جز این مشتاس	بشنو فرق فربهی ز آماس (حدیقه-ص ۳۲۴)

### تفاوت علم دان و علم خوان

تفاوت بین علم دان و علم خوان از دیگر نکات مورد توجه سنایی در باب علم و علم آموزی است. می‌گوید میان علم دان و علم خوان فاصله‌ای بس بعید وجود دارد. علم‌دان کسی است که به باطن و اسرار هر علمی پی برده و آن علم را با جان و روان خویش آمیخته است، اما علم خوان دانشی را در حافظه خویش ذخیره کرده و به تعبیر امروزی، طوطی وار چیزی را آموخته است، بدون آنکه آن علم را با جان و درون خود ادراک کرده باشد. تفاوت دیگر علم دان و علم خوان آن است که علم دان از علم خویش در جهت هدایت و تعالی خود و رسیدن به عالم معنا سود می‌جوید حال آنکه علم خوان، علم را وسیله‌ای برای فخرفروشی قرار می‌دهد. از این رو سنایی علم دان را بنده خاص خدا می‌خواند، در حالی که علم خوان جایگاهی نزد خداوند ندارد:

علم دان خاصه خدا آمد	علم خوان شوخ و نر گدا آمد (حدیقه-ص ۳۳)
ز آنکه جان آفرین چو جان نبود	علم دان همچو علم خوان نبود
نیک خواند ولیک بد گردد	ره برو لیک گرد خود گردد (حدیقه-ص ۳۲۲)

### لزوم همراهی علم با عمل

علم بدون عمل سخت مورد انتقاد سنایی است. به عقیده او علم بدون عمل فاقد ارزش است و همچنانکه ماه نور و روشنایی خود را از خورشید می‌گیرد، علم نیز ارزش و اعتبار خود را از عمل به دست می‌آورد. علم بدون عمل از نظر او مانند تخم بدون مغز است، می‌گوید علم و عمل مانند روغن و چراغ لازم و ملزوم و مکمل هم‌اند، آنگاه که علم با عمل پیوند بخورد همانند نردبانی بلند انسان را به عالم معنا می‌رساند، آنکه علم و عمل را با هم دارد؛ دین و دولت را در چنگال خود دارد، عالم بدون عمل مانند چارپایی است که باری از گوهر قیمتی حمل می‌کند اما غذای او گاهی است بی ارزش:

علم داری عمل نه دان که خری	بار گوهری بری و کاه خوری (حدیقه-ص ۳۹۱)
حجت ایزد است در گردان	خواندن علم و کار ناکردن (حدیقه-ص ۳۱۶)
علم در مغزت و عمل در پوست	همچو نور چراغ و روغن اوست (حدیقه-ص ۳۲۴)
چه کنی علم در میانه گنج	کار باید که کار دارد خنج
علم نر آمد و عمل ماده	دین و دولت بدین دو آماده
عالمان خود کمهند در عالم	باز عامل میان عالم کم (حدیقه-ص ۳۱۹)
علم با کار سودمتر بود	علم بی کار پای بند بود (حدیقه-ص ۲۹۲)
تو حقیقت بدان که در عالم	از برای نتیجه آدم
نیست از بهر آسمان ازل	نردبان پایه به ز علم و عمل (حدیقه-ص ۷۳)

### تفاوت عالم و جاهل

سنایی با عنایت به آیه کریمه: قل هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون (بگو آیا برابرند آنانکه می‌دانند با آنانکه نمی‌دانند) (آیه ۹ سوره زمر) میان عالم و جاهل تفاوت قایل است. به عقیده او از تفاوت‌های عالم و جاهل یکی آن است که عالم برای انجام کاری از فکر خویش سود می‌جوید، نه فقط از جسم خویش و چون از فکر خود استفاده می‌کند، ارزش کارش بسیار زیاد است. می‌گوید آنچه را یک بنا در پنج ماه انجام می‌دهد یک مهندس عالم در ساعتی چند از عهده آن بر می‌آید، چرا که مهندس از فکر خویش سود می‌جوید، به همین دلیل است که مزد یک بنا کمتر از مزد یک مهندس است:

از عمل مرد علم باشد دور	مثل این، مهندس و مزدور
آن ستانه مهندس دانا	به یکی دم که پنج مه بنا
مزد این کم زه مزد آن زان است	کاین به تن کرد و آن به جان دانست (حدیقه-ص ۳۱۸)

تفاوت دیگر عالم و جاهل آن است که عالم آینده نگراست و جاهل فقط حال را در نظر

می‌گیرد. عالم آینده را می‌بیند و آنچه را در آینده روی خواهد داد با ذهن خود می‌سنجد و خود را برای رویارویی با آن آماده می‌سازد، در حالی که جاهل حالی بین است:

هر که شد جان ز علمش آسوده      بوده دانست و دید نابوده  
جان عالم بود مالی بین      دیده جاهل است حالی بین (حدیقه- ص ۳۱۹)

دیگر تفاوت عالم و جاهل در میزان دلیستگی آنهاست به دنیا. عالم دنیا را بی‌ارزش می‌داند و به تعلقات دنیوی دل نمی‌بندد، اما جاهل تمام تلاش خود را معطوف به دنیا و تعلقات فریبنده آن می‌سازد. از این رو سنایی معتقد است، عالمی که در پی دنیا و تعلقات آن باشد در حقیقت عالم نیست.

حکما بار جمله بر بستند      همه رفتند و زین هوس رستند  
تو گل و دل در این جهان بستی      ای نه هوشیار چون چنین مستی (حدیقه- ص ۳۱۷)

### علم و حلم

به عقیده سنایی علم زمانی ارزشمندتر است که عالم آن را با حلم در جان خویش آمیخته باشد، او علم بدون حلم را بی‌ارزش می‌داند و معتقد است، علمی که با حلم همراه باشد مایه اعتبار عالم است و او را قابل احترام و ستایش می‌سازد. سنایی حلم را مقدم بر علم می‌داند و بر آن است که انسان پیش از آموختن و فراگیری علم باید حلم را بیاموزد و جان خویش را با این خصیصه مزین سازد:

علم از حلم نیک پی گردد      سنگ بی سنگ لعل کی گردد (حدیقه- ص ۳۱۶)  
حلم باید نخست پس علمت      برخورد از علم خوانده با حلمت  
علم بی حلم خاک کوی بود      علم با حلم آب روی بود (حدیقه- ص ۳۱۵)

### علم دین - علم مؤمن

از علوم مورد تأکید سنایی، علم دین است، او علم دین را حکمت جان می‌خواند و آن را گلشن جان عالم می‌شمارد. علم دین عالم را با نردبان معرفت به تعالی و کمال و والاترین مقام معنوی می‌رساند. سنایی میان علم مومن و علم منافق تفاوت قایل است. به عقیده او علم منافق بر زبان اوست در حالیکه مومن در دل و جان اوست. علم منافق همان علمی است که شیطان داشت و مایه گمراهی او شد اما علم مومن همان علم دین است که مایه رسیدن اوست به بهشت. چنین علمی را سنایی حکمت جان و عامل قدرت دل و اساس شناخت نفس و در پی آن رسیدن به معرفت خداوند می‌شمارد. همان علمی که در آغاز این مثال آن را از قول سنایی بالاترین و ارزشمندترین علم و سرچشمه دیگر علوم دانستیم:



علم دین بام گلشن جان است      نردبان عقل و حس انسان است (حدیقه- ص ۳۱۸)  
 علم مخلص درون جان باشد      علم دوروی بر زبان باشد (حدیقه- ص ۲۹۲)  
 مرد را علم ره دهد به نعیم      مرد را جهل در برد به جحیم (حدیقه- ص ۳۱۵)

### نتیجه گیری

با تامل و بررسی موضوع علم در حدیقه می توان دریافت که سنایی به عنوان یک ایرانی با فرهنگ و فاضل و نیز به عنوان یک مسلمان معتقد با پیوند بین آراء و عقاید فرهنگی ایرانیان و آموزه های دینی برای علم و دانش ارزش و جایگاه ویژه ای قائل است. او عالمان و دانشمندان را در دنیا و آخرت سعادت مند می داند و جهل و نادانی را بزرگترین عیب برای انسان می شمارد. سنایی در حدیقه ضمن ستایش عالم و مزمت جاهل میان اهل علم نیز تفاوت قائل است. او علمی را که در خدمت اغراض دنیوی باشد و باعث غرور و تکبر گردد، علم شیطانی می داند و چنین عالمی را نه عالم که جاهل می داند.

سنایی در تحصیل علم بر یادگیری و درک علم با دل و جان تأکید می ورزد و علم بدون درک و استنباط را فاقد ارزش می داند، به عقیده او علم شناخت خداوند و نیز علم شناخت نفس برترین علوم هستند و نیل به چنین علمی انسان را قادر به کسب دیگر علوم می سازد. سنایی علم بدون عمل را فاقد ارزش می داند و با تأکید بر لزوم همراه علم با عمل بر حلم و مقدم بودن حلم بر علم سفارش می کند.

### منابع

- ۱- آب آتش افروز- اشرف زاده، رضا، انتشارات جامی، ۱۳۷۶.
- ۲- المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، عبدالباقی، محمد فواد- مکتبه السهروردی، ۱۳۸۴.
- ۳- با کاروان حله- زرین کوب، عبدالحسین، انتشارات علمی، ۱۳۷۲.
- ۴- حدیقه الحطیقه و شریعه الطریقه- مدرس رضوی، محمد- انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- ۵- حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه- حسینی مریم- مرکز نشر دانشگاهی- ۱۳۸۲.
- ۶- شوریده ای در غزنه- فتوحی و محمدخانی- محمود و علی اصغر- انتشارات سخن، ۱۳۸۵.
- ۷- قرآن مجید- ترجمه استاد الهی قمشه ای- انتشارات گلی- ۱۳۷۳.
- ۸- گلستان سعدی- به کوشش خطیب رهبر- خلیل- انتشارات صفی علی شاه- ۱۳۶۶.